

بررسی فقهی - اقتصادی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

۵

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیست و یکم / شماره ۸۲ / تابستان ۱۴۰۰

احمدعلی یوسفی*

چکیده

حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی یکی از ابزارهای دفاعی در جنگ تمام‌عیار اقتصادی دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران است. از ابعاد مهم این مسئله، حکم فقهی آن می‌باشد؛ بنابراین در این تحقیق با یک پرسش اصلی مواجهیم: با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران - جنگ تمام‌عیار اقتصادی - حکم فقهی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی چیست؟ پاسخ این پرسش با تکیه بر موضوع‌شناسی دقیق از کالاهای ایرانی و خارجی و به استناد ادله فقهی با روش تحلیلی و توصیفی بررسی شده که نتیجه آن وجوب پرهیز از مصرف کالاهای کشورهای متخاصم با جمهوری اسلامی ایران، مثل آمریکا و رژیم صهیونیستی مگر در فرض اضطرار، مبادلات تجاری سازنده اقتصادی با سایر کشورهای دنیا مگر در فرض سلطه اقتصادی آنان بر اقتصاد ایران و اتحاد کشورهای جبهه مقاومت اسلامی با هم برای تقویت اقتصادی این کشورها در مقابله با کشورهای متخاصم با جبهه مقاومت اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: کالای ایرانی، کالای خارجی، حمایت، ادله اولیه، ادله ثانویه.

طبقه‌بندی JEL: L49, Z12, Z19

مقدمه

یکی از توطئه‌های دشمنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحریم‌های اقتصادی بوده که هر روز بر شدت آن افزوده شد و تبدیل به جنگ تمام‌عیار اقتصادی گردید. آنان از ارتش رسانه‌ای خود نیز بهره بردند و با دروغ‌پراکنی‌های گسترده، موجب بروز برخی آشوب‌های اجتماعی شدند. در برابر اقدامات خصمانه دشمنان، مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را مطرح و ستون فقرات آن را تقویت تولید داخلی و حمایت از کالای ایرانی اعلام نمودند.^۱ عمل به نتیجه تبیین فقهی ابعاد حمایت از کالای ایرانی و مصرف کالاهای خارجی می‌تواند دشمنان ایران را از رسیدن به اهداف خود در این جنگ ناکام کند.

با عنایت به آنچه بیان شد، تحقیق حاضر مواجهه با این پرسش اصلی است: با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران - جنگ تمام‌عیار اقتصادی - حکم فقهی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی چیست؟

فرضیه تحقیق عبارت است از: «مصرف کالاهای خارجی کشورهای بیگانه که مشابه داخلی دارند و برای زندگی مردم ضروری نیست و نیز زمینه سلطه بیگانگان را بر مقدرات کشور فراهم می‌کند یا سبب تقویت اقتصادی کفار حربی می‌شود، غیرمجاز است». برای پاسخ به پرسش اصلی و نیز بررسی فرضیه تحقیق لازم است پرسش‌های زیر پاسخ روشنی پیدا کنند.

۱. مقصود از کالای ایرانی چیست؟
۲. منظور از «حمایت از کالای ایرانی» چیست؟
۳. مقصود از کالای خارجی کدام است؟
۴. حکم فقهی مصرف کالاهای خارجی در شرایط فعلی چیست؟
۵. حکم فقهی واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند چیست؟
۶. حکم فقهی مصرف کالاهای داخلی در شرایط جنگ اقتصادی چیست؟

^۱ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی (بیانات در جمع کارگران، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹).

روش تحقیق در مرحله فیش برداری و گردآوری مطالب و مدارک، روش کتابخانه‌ای است. به لحاظ ماهیت روش تحقیق، روش اجتهاد مرسوم است که با استفاده از ابزار عقلی و نقلی اثبات فرضیه تحقیق دنبال می‌شود.

متناسب با پرسش اصلی، فرضیه و پرسش‌های فرعی، محورهای تحقیق به صورت زیر ارائه می‌شود:

- ۷ - موضوع‌شناسی حمایت از کالای ایرانی (چیستی حمایت از کالای ایرانی، مقصود از کالای ایرانی و کالای خارجی)؛
- بررسی فقهی ابعاد حمایت از کالای ایرانی و مصرف کالای خارجی.

پیشینه تحقیق

خزایی، سراقی و لیالی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل فقهی حمایت از کالای ایرانی» با استفاده از قواعد فقهی حفظ نظام، لاضرر، لزوم اعداد و ارباب، حکم حکومتی، اهم و مهم نظریه وجوب حمایت و استفاده از کالای ایرانی را مطرح کردند. احمدی‌نیک و حسینی (۱۳۹۷) برای دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مبانی فقهی و ضعف‌های پیشگیری از قاچاق کالا در راستای حمایت از کالای ایرانی» مبانی فقهی مبارزه با قاچاق کالا را به عنوان بزرگ‌ترین مانع حمایت از کالای ایرانی بررسی کردند و پیشنهادهای سیاستی برای برنامه‌ریزان کشور ارائه دادند. آبرومندی، خیری و ودادی (۱۳۹۸) در مقاله «دلایل فرهنگی امتناع مصرف‌کننده ایرانی از مصرف کالاهای ایرانی و تولید ملی» با بررسی میدانی نتیجه گرفتند که بروز ویژگی‌هایی مانند مادی‌گرایی و ازخودبیگانگی در مصرف‌کننده ایرانی تأثیر عمیقی بر شکل انتخاب وی در رابطه با برندها و کالاها گذاشته است. صدیقیان و حاجی‌علی‌اکبری (۱۳۹۸) در مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان در انتخاب کالاهای تولید داخلی با هدف ارائه الگوی مصرفی کالاهای ایرانی» به هفت متغیر که در گرایش مصرف‌کنندگان به سمت استفاده از کالای ایرانی تأثیرگذارند، دست یافتند و تأکید شده است با اولویت‌دادن به این عوامل می‌توان حمایت از کالای ایرانی را محقق نمود. اردکانی، صانعیان و منتی (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان «سنجش عوامل مؤثر بر تمایل

مصرف‌کننده ایرانی به خرید و مصرف کالاهای ایرانی» مجموعه‌ای از متغیرات اثرگذار تمایل مصرف‌کننده به خرید کالاهای ایرانی و نیز شدت اثر آنها را شناسایی نمودند. توکلی (۱۳۹۷) در کتابی تحت عنوان **حمایت از کالای ایرانی ابعادی از حمایت از کالای ایرانی** را بررسی نموده و به نظرات فقهی برخی مراجع نیز اشاره کرده است.

با توجه به پرسش اصلی تحقیق و نیز فرضیه و پرسش‌های فرعی و محورهای آن، تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات انجام‌شده روشن است. بررسی تحقیقات اشاره‌شده معلوم می‌کند که موضوع‌شناسی دقیق و کاملی از موضوع تحقیق صورت نگرفته و به دنبال آن بررسی فقهی نیز با کاستی‌های جدی مواجه می‌باشد.

تبیین مفهومی «حمایت از کالای ایرانی»

یک واژه و پدیده را می‌توان از ابعاد گوناگونی تعریف نمود. یکی از آنها هدف از ارائه آن واژه است. هدف از ارائه شعار «حمایت از کالای ایرانی» مقابله با جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. دشمن قصد دارد با ایجاد موانع، جریان تولید کالای ایرانی را متوقف کند و در صورت تولید کالای ایرانی، با تبلیغات فراوان توسط عوامل فریب‌خورده یا جاهل داخلی مانع مصرف آن شود و نیز مشکلات فراوانی برای صادرات آنها فراهم کند؛ درحالی‌که اگر کالای تولیدشده ایرانی توسط هر ایرانی خریداری و مصرف شود و به کمک آنان به خارج از ایران صادر گردد، کالای تولیدی ایرانی حمایت خواهد شد و جریان تولید و ایجاد اشتغال افزایش خواهد یافت. پس با درنظرگرفتن این هدف می‌توان گفت: «حمایت از کالای ایرانی یعنی خریداری و مصرف پایدار کالای تولیدشده ایرانی توسط هر شخص حقیقی و حقوقی ایرانی یا غیرایرانی و پرهیز هر شخص حقیقی و حقوقی ایرانی از مصرف کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی».

مقصود از کالای ایرانی

یکی از امور مهم در عملیاتی‌کردن شعار «حمایت از کالای ایرانی»، تعیین کالای ایرانی است. همچنین اگر کالاهای ایرانی طیف گسترده‌ای داشته باشند، درحالی‌که امکانات لازم برای حمایت از همه آنها موجود نباشد، امکانات حمایتی به چه طیفی از کالاهای ایرانی

باید اختصاص پیدا کند تا بیشترین حمایت از کالاهای ایرانی در جنگ اقتصادی محقق شود؟ پس برای روشن شدن مطلب، لازم است به پرسش‌های زیر توجه شود:

۱. اگر طراحی تولید کالایی در ایران و به وسیله نیروی متخصص ایرانی انجام شود، آیا می‌توان گفت آن کالا ایرانی است؟

۲. اگر کالایی در ایران و به وسیله نیروهای کار ایرانی تولید شود، هرچند طراحی آن در خارج از ایران صورت گیرد، آیا آن کالا ایرانی است؟

۳. اگر کالایی در داخل ایران طراحی و تولید شود، هرچند همه نیروهای کار آن ایرانی نباشند، می‌توان گفت کالای ایرانی است؟

۴. اگر کالایی نشان تجاری (برند) ایرانی داشته باشد، کافی است که نام کالای ایرانی و داخلی داشته باشد، هرچند در خارج از ایران تولید شده باشد؟

۵. اگر کالایی در داخل ایران به صورت کامل یا بخشی از آن مونتاژ شود، کالای ایرانی است؟

۶. اگر تولید کالایی در داخل ایران توسط کارگر ایرانی انجام شود، هرچند تمام مواد اولیه آن خارجی باشد، می‌توان گفت کالای ایرانی؟

پرسش‌های زیاد دیگری درباره اینکه چه کالایی و با چه خصوصیتی ایرانی است، مطرح می‌باشد که ضرورت پاسخ به پرسش ارائه‌شده را روشن می‌کند. در ادامه شاخص‌های پاسخ به این پرسش بررسی می‌شود.

تعیین کالای ایرانی بر اساس شاخص‌های آن

به نظر می‌رسد به طیف گسترده‌ای از کالاها با خصوصیات زیر می‌توان نام کالای ایرانی اطلاق کرد:

۱. نام تجاری (برند) ایرانی داشته باشد: طراحی و تولید کامل آن (اعم از ساخت قطعات و ساخت نهایی) در ایران و با سرمایه و نیروی کار ایرانی انجام شود و بازاریابی و توزیع آن نیز توسط ایرانی صورت گیرد.

۲. نام تجاری ایرانی داشته باشد: بخشی از طراحی آن در ایران و بخش دیگرش در خارج از ایران صورت گیرد، اما تولید کامل آن در ایران، با سرمایه و نیروی کار ایرانی انجام شود و بازاریابی و توزیع آن نیز توسط ایرانی صورت پذیرد.

۳. نام تجاری ایرانی داشته باشد: تمام طراحی آن در خارج از ایران صورت گیرد، اما تولید کامل آن در ایران، با سرمایه و نیروی کار ایرانی انجام شود و بازاریابی و توزیع آن نیز توسط ایرانی صورت گیرد.

۴. نام تجاری ایرانی داشته باشد: با هر یک از سه فرض (طراحی کامل در ایران یا خارج از ایران و یا بخشی در ایران و بخش دیگر آن در خارج از ایران)، بخشی از قطعات آن در ایران و بخش دیگرش در خارج از ایران تولید شود، اما ساخت نهایی آن در ایران صورت گیرد و بازاریابی و توزیع آن توسط ایرانی انجام شود.

۵. نام تجاری ایرانی داشته باشد: با هر یک از سه فرض (طراحی کامل در ایران یا خارج از ایران و یا بخشی در ایران و بخش دیگر آن در خارج از ایران)، قطعات آن به طور کامل در خارج از ایران تولید شود، اما ساخت نهایی آن (مونتاژ) در ایران صورت گیرد و بازاریابی و توزیع آن توسط ایرانی انجام شود.

۶. نام تجاری ایرانی داشته باشد: با هر یک از سه فرض (طراحی کامل در ایران یا خارج از ایران و یا بخشی در ایران و بخش دیگر آن در خارج از ایران)، تولید قطعات آن (کامل در ایران، یا خارج از ایران، یا بخشی در ایران و بخشی در خارج از ایران)، اما ساخت نهایی آن در خارج از ایران صورت گیرد و بازاریابی و توزیع آن توسط ایرانی انجام شود.

۷. نام تجاری ایرانی داشته باشد: تمام خصوصیات شماره ۶ را داشته باشد، تنها بازاریابی و توزیع آن توسط غیر ایرانی صورت گیرد.

ممکن است فروض دیگری با شرط نام تجاری ایرانی داشتن، مطرح باشد. همچنین همه فروض مطرح با نام تجاری ایرانی، می‌تواند با نام تجاری خارجی و غیرایرانی نیز مورد توجه باشد؛ بنابراین طیف گسترده‌ای از کالاها با خصوصیات و شاخص‌های گوناگونی می‌تواند نام کالای ایرانی داشته باشد و اطلاق نام کالای ایرانی بر آنها نیز خلاف متعارف نیست. به نظر می‌رسد کامل‌ترین مصداق کالای ایرانی فرض اول است و حمایت

لازم و کامل از کالای ایرانی، با خرید و مصرف این نوع کالای ایرانی صورت می‌گیرد؛ اما در دنیای امروز که اغلب کالاهای صنعتی دارای ترکیباتی از مواد اولیه یا قطعاتی هستند که یا امکان تولید آن در یک کشور وجود ندارد یا به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست که همه اجزای یک کالای صنعتی اعم از مواد اولیه و قطعات آن در یک کشور تولید شود. چون در این شرایط، تولیدکنندگان آنها با هزینه‌های زیادی مواجه می‌شوند و نمی‌توانند در بازارهای عرضه، شرایط باثباتی پیدا کنند و در نهایت مجبورند از بازار خارج شوند. البته هرچه به فروض بعدی نزدیک‌تر شویم، به عبارت دیگر از مصداق کامل کالای ایرانی فاصله گرفته شود، شرایط آسان‌تر می‌شود، اما از سوی دیگر ممکن است حمایت لازم و کامل از کالای ایرانی صورت نگیرد؛ بنابراین بر اساس چه شاخصی کالای ایرانی باید تعیین شود که با خرید و مصرف آن، حمایت لازم و کامل از کالای ایرانی صورت گیرد؟ اگر مصداق کامل کالای ایرانی در همه موارد قابل دستیابی نباشد، کدام شاخص‌ها با چه معیاری باید ترجیح داده شوند؟

به نظر می‌رسد با توجه به طیف گسترده‌ای از شاخص‌های کالای ایرانی، برای اینکه حمایت واقعی از کالای ایرانی صورت گیرد باید با معیار اهداف حمایت از کالای ایرانی به دنبال ترجیح شاخص‌ها رفت؛ اما اهداف حمایت از کالای ایرانی چه هستند و کدام هدف نسبت به سایر اهداف در اولویت قرار می‌گیرند؟

تعیین کالای ایرانی بر اساس اهداف حمایت

دشمن وقتی جنگ تمام‌عیار اقتصادی علیه ملت ایران را دنبال می‌کند، به یقین قصد دارد وضعیت معیشتی و اقتصادی ملت ایران را بی‌ثبات و ناامن کند و در پی آن، مردم در فشار شدید اقتصادی و معیشتی قرار گیرند و اراده آنان در مبارزه با استکبار جهانی تضعیف شود و سرانجام تن به خواسته‌های استکبار دهند؛ بنابراین برای مقابله با این جنگ اقتصادی و برای ناکام گذاشتن دشمن باید حمایت از کالای ایرانی صورت گیرد. پس بر اساس این هدف می‌توان معیاری برای تعیین کالای ایرانی مشخص کرد که عبارت است از: «خرید و مصرف پایدار هر طیفی از کالاهایی که بتواند هدف بیان‌شده را تأمین کند، کالای ایرانی است و باید از آن حمایت شود». وقتی با معیار بیان‌شده حمایت از کالای ایرانی صورت

گیرد، خرید و مصرف هر کالای ایرانی که بیشتر بتواند آن هدف را تأمین کند، باید در اولویت جدی حمایت قرار گیرد و امکانات حمایتی به سمت آن نوع کالاها سوق پیدا کند؛ بنابراین برای اینکه کالاهای ایرانی به گونه‌ای تعیین شوند تا حمایت هدفمند از آن صورت گیرد، باید بر اساس قاعده «الاهم فالاهم» اقدام کرد؛ یعنی حمایت از هر کالای ایرانی در هر مقطعی بیشتر بتواند آن هدف را تأمین کند، در اولویت قرار می‌گیرد و امکانات اقتصادی و غیراقتصادی برای حمایت از آن اختصاص پیدا می‌کند. پس اگر مرکز استاندارد ایران بخواهد استاندارد برای تعیین کالای ایرانی اعلام کند تا از آن حمایت صورت گیرد، نباید برای طیف گسترده‌ای از کالاهای تولیدی ایرانی، یک نوع علامت استاندارد اعلام نماید، بلکه باید با علائم مختلفی کالاهای ایرانی را اعلام نماید. هر کالایی که حمایت از آن نسبت به سایر کالاها بیشتر بتواند آن هدف را تأمین نماید، علامت خاص و برتر باید داشته باشد.

مقصود از کالای خارجی

وقتی عبارت «حمایت از کالای ایرانی» مطرح می‌شود، یکی از ابعاد مفهومی آن این است که در مقابل کالای خارجی باید کالای ایرانی مورد حمایت قرار گیرد؛ بنابراین همان‌طوری که که کالای ایرانی با شاخص‌های معینی روشن می‌شود، لازم است مشخصات کالای خارجی معلوم گردد؛ چون وقتی حکم فقهی خرید کالای خارجی بیان می‌شود باید پیش‌تر مقصود از کالای خارجی روشن شود تا آن حکم فقهی منطبق بر مورد خاص خود عرضه گردد.

در نگاه ابتدایی به نظر می‌رسد مقصود از کالای خارجی روشن است؛ زیرا هر کالایی شاخص‌های کالای ایرانی را نداشته باشد، کالای خارجی است؛ ولی در بحث حمایت از کالای ایرانی، ادعای این مطلب صحیح نیست؛ چون برای حمایت از کالای ایرانی نباید از خرید هر نوع کالای خارجی پرهیز شود؛ چه‌بسا برخی موارد ممکن است حمایت از برخی کالاهای خارجی همانند کالای ایرانی لازم باشد. برای روشن شدن مطلب انواع کالاهای خارجی با معیار کشور تولیدکننده ارائه می‌شود:

۱. کالایی که توسط رژیم غاصب صهیونیستی یا آمریکا تولید شده یا با نام تجاری آنها می‌باشد. آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی جنگ تمام‌عیار اقتصادی را علیه ملت ایران راه‌اندازی کردند و با تمام قوا از توان اقتصادی و غیراقتصادی خود در این جنگ استفاده می‌کنند و هر روز بر شدت آن می‌افزایند.

۲. کالایی که توسط کشورهای اروپایی یا با نام تجاری آنها تولید می‌شود. این کشورها به‌طور مستقیم جنگ اقتصادی علیه ملت ایران را آغاز نکرده‌اند، ولی در این جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا همراهی کرده‌اند.

۳. کالایی که توسط برخی کشورهای غیراسلامی همراه با ایران همانند روسیه، چین و ونزوئلا یا با نام تجاری آنها تولید می‌شود. این کشورها در این جنگ اقتصادی مشارکت ندارند، بلکه گاهی حاضر به همکاری با ایران علیه کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند.

۴. کالایی که توسط برخی کشورهای اسلامی مانند ترکیه، مالزی، پاکستان، افغانستان و اندونزی تولید شده یا با نام تجاری آنها عرضه می‌شود.

۵. کالایی که توسط برخی کشورهای اسلامی جبهه مقاومت یا گروه‌های مقاومت همانند کشور عراق، سوریه، یمن و حزب‌الله لبنان تولید شده و با نام تجاری آنها عرضه می‌شوند. این کشورها شبیه ایران در معرض جنگ و تهدید از سوی کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند.

با توجه به طیف گسترده‌ای از کالاهای خارجی نمی‌توان همه آنها را در یک ردیف قرار داد و حکم فقهی استفاده از آنها را یک نوع دانست؛ بنابراین در بررسی فقهی و آثار و پیامدهای استفاده از کالاهای خارجی باید توجه لازم به این امور صورت گیرد.

حکم معامله کالاهای خارجی بر اساس ادله اولیه^۱

بر اساس ادله اولیه می‌توان مدعی شد که تمام معاملاتی که مسلمانان با سایر انسان‌ها از کشورهای دیگر یا با دولت‌های دیگر انجام می‌دهند، مصداق معاملات عرفی و عقلایی است و اصل بر جواز و صحت آنهاست، مگر آنکه دلیل خاصی بر باطل بودن آن معامله دلالت کند (برای آشنایی بیشتر با این اصل ر.ک به: کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۷۳ و ج ۵، ص ۱۶۱-۱۶۲ / نجفی، ۱۳۷۳، ج ۲۵، ص ۲۶۵-۲۶۶ / موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱-۱۲). البته اگر کالای مورد معامله منفعت حلال داشته باشد و طرفین معامله آن منفعت حلال را قصد کرده باشند، شارع نیز آن را تأیید می‌کند. در ادامه، با ارائه گزارشی از ادله اولیه مبنی بر جواز مصرف کالاهای خارجی، با استناد به ادله ثانویه حکم مصرف کالاهای خارجی و نیز کالاهای داخلی در شرایط جنگ اقتصادی بررسی می‌شود:

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای وفا کنید. به لحاظ حکم تکلیفی به دلالت مطابقی بر وجوب وفای بر عقود و از جهت حکم وضعی، به نحو التزامی بر صحت این عقود دلالت دارد؛ چون وقتی آیه به دلالت مطابقی بر لزوم و وجوب ترتب اثر عقد دلالت کند، معنای التزامی آن صحت عقد است (برای آشنایی بیشتر ر.ک به: موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۹ / خوئی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۲ / حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، صص ۲۰۹-۲۱۲ / حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰ به بعد)؛ بنابراین به مقتضای این آیه، خرید هر نوع کالایی از هر فردی یا از هر کشوری به قصد منفعت حلالش انجام شود، وفای به آن لازم و معامله‌اش صحیح است.^۲

۱. حکم اولی و ثانوی تابع عناوین فقهی هستند. اگر عنوان فقهی به لحاظ ذات فعل و بدون عنوان عارضی بر آن ملاحظه شود، عنوان اولی و حکم مترتب بر آن، حکم اولی گفته می‌شود. مثل عنوان روزه که یک عنوان اولی است و به حکم وجوب روزه، حکم اولی گفته می‌شود؛ اما وقتی فعل روزه گرفتن حرجی شد، بر آن عنوان ثانوی حرج عارض می‌شود. عنوان حرجی حکم دیگری دارد که عبارت است حرمت روزه گرفتن که به آن، حکم ثانوی گفته می‌شود. به ادله حکم اولیه، ادله اولی و به ادله حکم ثانوی، ادله ثانوی اطلاق می‌شود.

۲. در استدلال به این آیه و آیاتی که بعد از این می‌آید، اشکالاتی وارد شده و پاسخ آنها نیز ارائه گردیده است. برای پرهیز از اطاله مطالب، علاقه‌مندان به کتب قواعد فقهی مراجعه کنند.

با استدلال مشابه آیه قبلی آیات ذیل نیز بر جواز و صحت معامله کالاهای کشورهای خارجی دلالت دارند:

«أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵): خدا دادوستد را حلال کرد (ر.ک به: حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۱۲). «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که با تراضی یکدیگر انجام گیرد (ر.ک به: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۱۶-۳۲۰، خوئی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۱ / حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ص ۲۲۷).

بر اساس دلالت این آیات اگر تجارت و معامله روی کالای خارجی صورت گیرد و آن کالا دارای منفعت محله باشد و طرفین به قصد آن منفعت، معامله را انجام دهند، یک معامله عرفی و عقلایی است که هم صحیح است و هم استفاده از آن کالا مباح و بلااشکال خواهد بود.

حکم معامله کالاهای خارجی بر اساس ادله ثانویه

حکم اولیه معامله کالاهای خارجی گذشت؛ اما دشمنان مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران - در رأس آنها آمریکا و رژیم صهیونیستی - اقدامات اقتصادی علیه ایران را به عنوان ابزار جنگی خود برای شکست دادن نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته‌اند. در چنین شرایطی ادله فقهی ثانوی نسبت به معامله و خرید کالاهای خارجی چه اقتضایی دارند؟ آیا بر اساس ادله فقهی ثانوی لازم و واجب است که با پرهیز از خرید کالاهای خارجی به مقابله با این جنگ اقتصادی اقدام کرد و از کالاهای تولیدی داخلی حمایت نمود؟ بر اساس این نوع ادله، حکم فقهی معامله با کالاهای خارجی، به‌ویژه وقتی که مشابه آن در داخل ایران تولید می‌شود، چیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها لازم است ادله ثانویه بررسی شود. البته برای پرهیز از تطویل بحث، مباحث دلالی و سندی که مورد قبول این تحقیق باشد، به‌اختصار اشاره می‌شود و از ورود به مباحث اختلافی برخی فقها پرهیز می‌شود؛ اما در تطبیق دلیل بر موضوع تحقیق، تلاش می‌گردد ابعاد مطلب، به‌طور کامل روشن شود.

۱. کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی

مقصود از کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی، کالاهایی هستند که توسط رژیم غاصب صهیونیستی یا آمریکا تولید شده یا با نام تجاری آنها توزیع می‌گردد. خرید کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی را می‌توان در دو فرض اصلی زیر بررسی کرد:

یک) مصداق سلطه اقتصادی

اگر خرید کالا از شرکت‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی از طرف دولت یا نهادهای حاکمیتی یا حتی برخی شرکت‌های تجاری خصوصی ایرانی صورت گیرد و این اقدام سبب مشکلاتی برای بنگاه‌های تولیدی و کارگران ایرانی گردد و از سوی دیگر صاحبان کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی تقویت شوند که در مجموع این جریان مصداق سلطه اقتصادی آن دو کشور بر بخشی از اقتصاد ایران باشد، معامله باطل و حرام است:

دلیل اول: آیه نفی سبیل

خدای متعال در قرآن می‌فرماید:

«لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

فقیهان از این آیه، قاعده‌ای به نام «قاعده نفی سبیل» را استخراج کرده‌اند. درباره این آیه و قاعده مستخرج از آن (نفی سبیل) چند مطلب به اختصار اشاره می‌شود و بر مورد بحث، تطبیق می‌گردد:

- مفهوم آیه

سبیل در لغت و در استعمالات قرآنی به معنای «راه» آمده است؛ اما در این آیه به جهت وجود «ل» بر واژه للکافرین و «علی» بر المؤمنین به معنای «سلطه» می‌باشد.

همچنین، سلطه کفار بر مسلمین به نحو عموم، نفی شده است. چون «سبیل» نکره در سیاق نفی آمده و با «لن» که نفی ابد می‌کند، مقارن گردید؛ بنابراین مقصود آیه این است که هر حکمی، قانونی و قراردادی و رفتاری که موجب سلطه کفار بر مسلمین شود، مشروع نمی‌باشد و باطل است. افزون بر آن، مقصود از نفی سلطه، نفی سلطه از دولت، افراد، احزاب و سایر گروه‌های اسلامی است (برای آشنایی بیشتر رک به: حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق،

ج ۲، ص ۳۵۹-۳۶۰؛ بنابراین بر اساس مفاد این آیه، هر عمل، قانون و پیمانی سبب سلطه کافر و غیرمسلمان بر مؤمنان شود حرام است (برای اطلاع بیشتر ر.ک به: بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۴۹).

– جایگاه آیه و قاعده مستفاد نسبت به ادله اولیه

آیه و دلیل نفی سبیل بر ادله اولیه حکومت دارد؛ چون آیه به عنوان ثانویه افعال (سبیل و سلطه) تعلق گرفته است؛ اما احکام در ادله اولیه، به عنوان اولیه خود افعال – بیع، تجارت، عقد – متعلق شدند؛ بنابراین ظهور عرفی اقتضا دارد که ادله عناوین ثانویه بر ادله عناوین اولیه حاکم و مقدم باشد؛ یعنی عنوان محقق شده – بیع و تجارت و معامله – به عنوان خود باقی است، اما عنوان دیگری مثل سلطه و سبیل بر آن نیز صدق می‌کند که دلیل نفی سبیل، آن را منتفی می‌نماید؛ یعنی اعلام می‌کند که چنین معامله‌ای باطل و حرام است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳۴).

تعیین مفهوم و مصداق سلطه اقتصادی

از مسائل مهم در این بحث تعیین مفهوم و مصداق سلطه و سبیل اقتصادی است. سلطه اقتصادی که در این آیه نفی گردید، مقصود از آن چیست؟ چه شرایطی اتفاق بیفتد گفته می‌شود که مصداق سلطه اقتصادی می‌باشد؟

کسانی که به این قاعده پرداخته‌اند، کمتر به این مسئله اشاره کرده‌اند. این مسئله در حوزه‌های تخصصی مختلف مثل اقتصادی، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد به وضعیت زیر بتوان سلطه و سبیل اقتصادی اطلاق کرد:

«وابستگی یک‌جانبه اقتصادی یک کشور اسلامی، یک بنگاه و فرد مسلمان به اقتصاد کشورهای غیراسلامی یا بنگاه‌های اقتصادی آن کشورها، به گونه‌ای که هر موقع آن کشورها یا بنگاه‌های اقتصادی اراده کنند، بتوانند آن کشور اسلامی، بنگاه و افراد مسلمان را به لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار دهند و در وضعیت اقتصادی آنان اختلال و نابسامانی ایجاد نمایند».

بنابراین اگر جریان مبادلات پولی بین کشورهای اسلامی و غیراسلامی یک جریان یک‌جانبه باشد، به گونه‌ای که کشور غیراسلامی هر موقع بخواهد با ابزار پولی خود اقتصاد

کشور اسلامی را تحت تأثیر جدی قرار دهد و موجب اختلال و نابسامانی اقتصادی شود، مصداق روشن سلطه و سبیل خواهد بود. از باب مثال وقتی جریان پولی بین کشور آمریکا و سایر کشورهای همراه این کشور با جمهوری اسلامی ایران دلار باشد، نه دلار - ریال و کشور آمریکا در چنین شرایطی از طریق اقدامات پولی و ارزی بتواند جریان ارزی و پولی کشور ایران را تحت تأثیر قرار دهد و امنیت اقتصادی و پولی آن را تهدید کند، مصداق اتم و اکمل سلطه و سبیل ارزی و پولی است؛ بلکه امروز دلار به عنوان مهم‌ترین ابزار جنگ اقتصادی دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ بنابراین نظام جمهوری اسلامی ایران باید خود را از سلطه دلار خارج کند و تأخیر در این امر به هیچ وجه مجاز نیست. در چنین شرایطی اقدام به مبادلات ارزی و اقتصادی با دلار تنها به عنوان یک اقدام اضطراری مجاز است. البته وقتی مصداق اضطرار باشد، باید تمام تلاش‌های لازم برای خروج از وضعیت اضطراری صورت گیرد، در غیر این صورت مصداق «الاضطرار بالاختیار» خواهد شد که «لاینافی الاختیار» و شارع با آن به عنوان یک فعل اختیاری غیرمجاز برخورد می‌کند. در شرایط عادی انجام فعل حرام یا ترک فعل واجب از نظر شرعی غیرمجاز و انسان معاقب خواهد بود؛ اما اگر انسانی بدون اختیارش در شرایطی قرار گیرد که مضطر به انجام فعل حرام یا ترک فعل واجبی گردد، به دلیل حدیث رفع، انجام یا ترک آن فعل عقاب ندارد؛ اما اگر انسان با اختیارش کاری کند که مضطر به انجام فعل حرام یا ترک واجبی شود، در این صورت گفته می‌شود این اضطرار با اختیار خودش بوده و مرتکب حرام شده است و عقاب دارد. حال اگر کسی بدون اختیارش مواجه با اضطرار شده است، ولی اگر تلاش متعارفی انجام دهد قادر خواهد بود خود را از اضطرار خارج کند، در این صورت به حکم عقل بر او واجب است که خود را از اضطرار خارج کند؛ ولی اگر چنین تلاشی نکند این اضطرار مصداق «الاضطرار بالاختیار» خواهد شد و بر انجام فعل حرام یا ترک فعل واجب معاقبه می‌شود.

مرجع تشخیص مصداق سلطه

یکی از مباحث مهم در بحث نفی سبیل و سلطه این است که چه کسی باید مصداق سلطه و سبیل را تشخیص دهد و تشخیص او برای پرهیز از معامله مسلمان، کشور اسلامی یا بنگاه اقتصادی این کشور با غیر مسلمانان حجت باشد؟

اغلب، تشخیص مصداق سلطه و سبیل امری مشکل است. چه بسا در برخی موارد نیازمند به تخصص باشد. در هر صورت فرض محتمل اشاره و بررسی می‌شود:

۱۹

فرض اول: مراجعه به عرف عام جامعه؛ فهم و ارتکازات عرف عام جامعه در تشخیص مفاهیم از جمله مفهوم سلطه و سبیل حجت است؛ اما در تشخیص مصداق سلطه و سبیل، به ویژه در مواردی که نیازمند نظر کارشناسی و تخصصی باشد، حجت نخواهد بود.

فرض دوم: مرجع در تشخیص سلطه و سبیل نظر مرجع تقلید است؛ به نظر می‌رسد این امر نیز غیر قابل قبول می‌باشد؛ چون تشخیص سلطه و سبیل در زمره کار تخصصی و کارشناسی حکمی نیست تا نظر مرجع تقلید برای مقلدانش حجت باشد. تشخیص مصداق سلطه و سبیل از روشی باید صورت گیرد که اطمینان‌آور باشد. البته اگر مرجع تقلید در مشورت با کارشناسان هر حوزه‌ای به اطمینان برسد و نظر خود را برای سهولت امر مقلدان اعلام نماید و مقلدان نیز اعتماد کنند، می‌توانند به آن عمل نمایند؛ اما در این صورت نیز به نظر کارشناس آن حوزه عمل شده است.

فرض سوم: نظر حاکم و ولی فقیه؛ نظر ولی فقیه در امور ارتباطات کلان جامعه با کشورهای غیراسلامی با توجه به امور کارشناسی که انجام می‌شود، ممکن است حجت باشد، اما در موارد فراوان جزئی که مردم در ارتباطات اقتصادی خود عمل می‌کنند، معلوم نیست حاکم و ولی فقیه بتواند نظر بدهد. حتی موارد جزئی ممکن است چنان زیاد باشد که مجال نظرخواهی و نظردهی حاکم اسلامی وجود نداشته باشد. البته اگر حاکم اسلامی موردی را مصداق سلطه و سبیل اعلام کند باید تبعیت شود و پیش فرض چنین اعلامی آن است که با کارشناسان مرتبط مشورت لازم صورت گرفته است.

فرض چهارم: نظر عرف متخصص؛ تشخیص عرف متخصص در هر موردی برای تشخیص مصداق سلطه و سبیل حجت است و باید به تشخیص او عمل نمود. از باب مثال

در باب امور تجاری، تشخیص تاجر؛ در امور نظامی، نظر متخصص نظامی؛ و ... حجت است.

فرض چهارم صحیح می‌باشد، اما به نظر می‌رسد که موارد سلطه و سبیل باید مشخص شود و در هر موردی به روش خاصی با دقت در امور کارشناسی به نتیجه رسید. اگر مورد از موارد ارتباط اقتصادی کلان جامعه با کشورهای غیراسلامی باشد، مثل جریان مرادوات پولی و ارزی که تمام زوایای زندگی خرد و کلان مردم و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حاکم اسلامی باید با مشورت با کارشناسان آن حوزه مصداق سلطه و سبیل را تشخیص دهد. اگر ارتباطات اقتصادی از ناحیه برخی بنگاه‌های اقتصادی یا افراد با کشورهای غیراسلامی باشد، در این صورت آن بنگاه‌های اقتصادی یا افراد باید با مشورت کارشناسان اقتصادی مرتبط با آن صنعت، مصداق سلطه و سبیل را تشخیص بدهند. البته اگر جریان ارتباط بنگاه‌های اقتصادی یا افراد فعال اقتصادی در کشور اسلامی با کشورهای غیراسلامی به حدی برسد که بر اقتصاد کشور اسلامی نوعی اثرگذاری را به دنبال داشته باشد، آنگاه تشخیص یک یا چند بنگاه یا افراد فعال اقتصادی ملاک نخواهد بود، بلکه حاکم اسلامی با توجه به جریان کارشناسی در اختیار، مرجع تشخیص سلطه و سبیل خواهد بود.

حکم تراحم دلیل نفی سبیل با مصالح أهم

به حکم عقل، مصلحت أهم در همه موارد بر مصلحت مهم مقدم است؛ بنابراین دلیل نفی سبیل اگر با مصلحت اهمی تراحم پیدا کند، آن مصلحت بر مصلحت نفی سبیل مقدم می‌شود. اگر اضطرار و اکراه برای مسلمانی در معامله‌ای با کفار اتفاق بیفتد که آن معامله مصداق سبیل و سلطه بر آن مسلمان باشد، در این صورت دلیل اضطرار و اکراه بر دلیل نفی سبیل مقدم می‌شود. چون اضطرار و اکراه ممکن است برای آن مسلمان خطر جانی داشته باشد که به یقین مقدم بر نفی سلطه است.

مطلب بیان‌شده در وقتی که با مصلحت اهم اقتصادی عمومی مواجه شویم به طریق اولی ساری و جاری است. در موارد فراوانی - مثل کالاهای صنایع دفاعی و کالاهای ضروری - ممکن است مصلحت خرید و واردات آنها اهم از مفسده سلطه و سبیل باشد.

البته اگر در مواردی خرید کالایی همانند کالاهایی که برای صنایع نظامی یا راهبردی یا کالاهای ضروری مردم لازم باشد، باید بر اساس قاعده دفع افسد به فاسد عمل شود؛ بنابراین در صورتی که آن کالا را تنها برخی کشورهای اروپایی که با کشور آمریکا در این جنگ همراهی می‌کنند، تولید می‌نمایند، باید از آن کشورها خریداری کرد. پس اگر این نوع کالاها را بتوان از کشورهای اسلامی جبهه مقاومت خریداری نمود، نباید از سایر کشورهای اسلامی خریداری کرد؛ اگر از کشورهای اسلامی غیر جبهه مقاومت که با جمهوری اسلامی ایران خصومت خاصی ندارند، خریداری نمود نباید از کشورهای غیراسلامی خریداری کرد؛ اگر از مثل چین و روسیه می‌توان خریداری کرد نباید از کشورهای اروپایی همراه کشور آمریکا خریداری نمود. در تمام این موارد، قاعده دفع افسد به فاسد، معیار اقدام و تصمیم‌گیری است.

دلیل دوم: آیه عزت اسلامی

خدای متعال در قرآن می‌فرماید:

«لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸).

عزت از آن خدا و پیامبر او و مؤمنان است.

عزت در کتب لغت عرب به معنای قدرت شکست‌ناپذیر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۳). کلمه عزت در این آیه حصر شده و تنها برای خدای متعال و پیامبرش و مؤمنان قرار گرفته است؛ چون «تقدیم ما حقه التأخیر» در اینجا اتفاق افتاده که مفید حصر می‌باشد؛ یعنی العزّة، مبتدا و لله، خبرش است؛ درحالی‌که «الله» بر «العزّة» مقدم گردید. همچنین «لرسوله» و نیز «للمؤمنین» عطف به «الله» گردید؛ بنابراین عزت رسول گرامی اسلام و مؤمنان در ردیف عزت خدای متعال قرار گرفته است. البته عزت خداوند ذاتی او است، ولی عزت رسولش و مؤمنان را خدای متعال جعل و تشریح نموده است. به همین جهت در آیه دیگری عزت برای خدای متعال منحصر شده است: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹). به تحقیق که همه عزت برای خداست. تأکید با «إِنَّ» و «جَمِيعًا» حصر عزت را برای خدای متعال محقق می‌کند.

آیه در صدد اخبار نیست، بلکه نوعی حکم تشریحی را به دنبال دارد؛ یعنی خدای متعال هیچ حکم ذیلانه را که منافات با عزت مسلمانان داشته باشد، جعل و تشریح نکرده

است. خداوند می‌خواهد مؤمن عزیز باشد؛ بنابراین آنان نیز حق ندارند وارد پیمان، معامله و قراردادی شوند که ذلت آنان را به دنبال داشته باشد (برای اطلاع بیشتر رک به: بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

کلینی حدیثی را درباره این آیه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ فَأَلْمُؤْمِنُ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَزِيزاً وَ لَأ يَكُونَ ذَلِيلاً يُعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَ الْإِسْلَامِ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۶۴ / حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۱۵۷): امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل همه کارهای مؤمن را به او واگذار کرده، ولی به او اجازه نداده است که خود را ذلیل کند. مگر نشنیدی که گفتار خداوند عزوجل: - عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است - پس سزاوار است مؤمن همیشه عزیز باشد و ذلیل نباشد، خداوند با ایمان و اسلام او را عزیز می‌دارد.

روایت به جهت سندی معتبر است؛ اما فقها در دلالت واژه‌های «ینبغی و لاینبغی» بر لزوم اختلاف دارند. این تحقیق بر اساس دیدگاه فقهایی است که معتقدند «لاینبغی و ینبغی» بر لزوم ترک و عمل دلالت دارند، مگر قرینه بر خلاف آن وجود داشته باشد (رک به: موسوی خویی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۲۲ و ج ۹، ص ۳۴۶ / انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۹۶ / فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۳۴). ایشان تأکید دارند که حدیث بر لزوم دلالت دارد. پس در روایت امام صادق علیه السلام «لا یكون ذلیلاً» به «یكون عزیزاً» عطف شده است. پس عبارت به این صورت می‌شود «ینبغی ان لا یكون ذلیلاً»؛ یعنی مؤمن نباید خود را ذلیل کند.

بنابراین بر اساس مفاد آیه بیان‌شده، وقتی اقدامات اقتصادی مثل معامله و خرید کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی از ناحیه حاکمیت اسلامی یا شرکت‌ها و تجار مسلمان به‌گونه‌ای انجام شود که منافات با عزت مسلمانان و کشور جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، چنین معامله‌ای را شارع تأیید نمی‌کند و مجاز نخواهد بود؛ یعنی جریان مبادلات اقتصادی با کشوری مثل آمریکا اگر به دراختیارگرفتن بخشی از جریان اقتصادی کشور جمهوری اسلامی ایران منتهی شود و این امر سبب بیکاری تعدادی از کارگران ایرانی گردد و مشکلات فراوانی برای اقتصاد ایران فراهم شود، به‌گونه‌ای که با عزت

اسلامی منافات داشته باشد و نوعی ذلت محسوب گردد، حکم فقهی چنین جریان مبادلات اقتصادی حرام است.

در اوایل سال ۱۳۲۴ق، استفتایی از برخی علما از جمله آخوند خراسانی و محمدکاظم طباطبایی یزدی درباره خرید و مصرف کالاهای خارجی صورت می‌گیرد که پاسخ زیر را ارائه می‌دهند (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۳، ۲۵ صفر ۱۳۲۴، ص ۲۰).

آخوند خراسانی: بیع و شراء با کفار که موجب تقویت کفار است و سبب ضعف مسلمین، جایز نیست و همچنین سایر امور از معاشرت با ایشان (همان، ص ۲۱).
طباطبایی یزدی: هرچه موجب تقویت و شوکت کفر و کفار و سبب ضعف اسلام و مسلمین است، حرام است؛ چه از معاملات باشد یا غیر آن (ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰-۱۶۲).

خفت ذلت، بیشتر و بدتر از ضعف است؛ بنابراین وقتی مرحوم آخوند و صاحب عروه معامله‌ای را که سبب ضعف مسلمانان شود، جایز نمی‌دانند، به طریق اولی اگر سبب ذلت مسلمانان گردد، مجاز نمی‌شمارند. زمانی که جامعه اسلامی در جنگ اقتصادی همه‌جانبه با دشمنان اسلام و مسلمین و با نظام جمهوری اسلامی ایران هستند که دشمن می‌خواهد از این طریق جامعه اسلامی را به ذلت و نابودی بکشاند، به طریق اولی آیه کریمه دلالت بر حکم حرمت معامله با کفار حربی را دارد.

از آیه «لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳): به ستمگران اعتماد و تکیه نکنید که آتش [عذاب] شما را فرا می‌گیرد و [در این صورت] برای شما در برابر خداوند، هیچ دوست و سرپرستی نیست، پس [از هیچ ناحیه‌ای] مورد کمک قرار نخواهید گرفت. همانند دو آیه گذشته می‌توان استفاده نمود که در هر عرصه‌ای از جمله عرصه اقتصادی اگر اعتماد و ركون نسبت به ظالمان تحقق پیدا کند، حرام و عذاب الهی را به دنبال خواهد داشت (برای آشنایی بیشتر با تفسیر آیه ر.ک به: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۵۰-۵۸).

وقتی به ادله بیان‌شده خرید و مصرف کالاهای کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی در صورتی که زمینه سلطه بر اقتصاد ایران را فراهم کند، غیرمجاز است، پس بر همه مردم و مسئولان نظام اعم از بخش اجرایی و قانونگذاری و ... لازم است از هر نوع اقدامی که

تسهیل‌کننده امر واردات و مصرف آن کالاها شود، پرهیز کنند. حتی اگر عدم اقدام آنها نوعی کمک و تسهیل‌کننده امر واردات آن کالاها باشد، باید اقداماتی انجام دهند تا جلو واردات و مصرف آن کالاها مسدود گردد؛ چون در این صورت تعاون بر اثم خواهد بود که به دلالت آیه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲): در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌کیفر است، غیرمجاز می‌باشد.

دو) مصداق تقویت اقتصادی کفار

این مطلب در دو فرض زیر بررسی می‌شود:

فرض اول: وجود کالای مشابه در ایران

در این صورت برخی مشکلات برای اقتصاد ایران ایجاد می‌گردد؛ از باب مثال بنگاه‌های تولیدی که کالاهای مشابه تولید می‌کنند، با رکود و تعطیلی مواجه می‌شوند و کارگران آنها کار خود را از دست می‌دهند؛ از سوی دیگر، بنگاه‌های تولیدی کشورهای دشمن با رونق اقتصادی مواجه می‌شوند و زمینه اشتغال بیشتر نیروهای کار آن کشور فراهم می‌گردد و به سمت رشد اقتصادی مطلوب‌تری حرکت می‌کنند و زمینه تقویت اقتصادی آن کشور فراهم می‌گردد. در مجموع این اقدام سبب تضعیف اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و تقویت اقتصاد کشور دشمن می‌شود.

با استناد به ادله نقلی می‌توان اثبات کرد که چنین مبادلات تجاری با مشکل فقهی مواجه است. از روایاتی که در باب بیع سلاح به کشور یا کسانی که دشمن اسلام و مسلمانان‌اند، وارد شده می‌توان بر این امر استدلال کرد. روایات در باب حرمت فروش سلاح به دشمنان مسلمانان و کمک به ظالمان و تقویت آنان و نیز تضعیف مسلمانان فراوان است و شیخ انصاری تنها درباره روایات حرمت فروش سلاح به دشمنان دین ادعای مستفیض بودن آنها را کرده و از بررسی سندی روایات خودداری نموده است؛ کما اینکه هیچ فقهی در اصل حرمت فروش سلاح به دشمنان دین و کمک به آنان در جنگ علیه مسلمانان تردید نکرده است و شیخ انصاری می‌نویسد هیچ اختلافی در اصل حکم حرمت بین فقها نیست (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۷). بلکه امام خمینی علیه السلام می‌نویسد که حتی کشوری که در حال صلح است و جنگی بین کشور اسلامی و کشور غیراسلامی نیست، اما

خوف این است که در آینده علیه کشور اسلامی اقداماتی انجام دهد، هر نوع تقویت آن کشور در زمان صلح نیز صحیح نیست. این امر تابع مصالحی است که حاکم اسلامی تشخیص می‌دهد و عقل حاکم بر این مطلب است و از اخبار وارده در حرمت بیع سلاح به کشوری که دشمن اسلام و مسلمین است بیش از این فهمیده نمی‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۷). برخی دیگر از فقها نیز این حکم را بدیهی عقلی و ضروری دین شمرده‌اند و معتقدند که نیازی به دلیل ندارد (موسوی خمینی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۶۸). در ادامه به دو روایت صحیح هند سراج و حضر می‌اشاره می‌شود.

... عَنْ هِنْدِ السَّرَاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنْ كُنْتُ أُحْمِلُ السَّلَاحَ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ فَأَبِيعُهُ مِنْهُمْ فَلَمَّا أَنْ عَرَفَنِي اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ ضَيَّقْتُ بِذَلِكَ وَقُلْتُ لَا أُحْمِلُ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ فَقَالَ أَحْمِلْ إِلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَدُوَّنَا وَعَدُوَّكُمْ يَعْنِي الرُّومَ وَبِعَهُمْ فَإِذَا كَانَتْ الْحَرْبُ بَيْنَنَا فَلَا تَحْمِلُوا فَمَنْ حَمَلَ إِلَى عَدُوَّنَا سِلَاحًا يَسْتَعِينُونَ بِهِ عَلَيْنَا فَهُوَ مُشْرِكٌ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۱۲ / ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۷۵ / حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۱۰۱).

هند سراج گوید: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم - خداوند به شما خیر دهد - من اسلحه به شام^۱ حمل می‌کردم و به آنان می‌فروختم. از آن زمانی که خداوند مرا به حق آگاه ساخت، از این کار ناراحت و دل‌نگرانم و گفتم: دیگر برای دشمنان خدا اسلحه نمی‌برم. امام علیه السلام فرمود: نه، ببر و به آنها بفروش؛ زیرا خداوند به وسیله آنان دشمنان ما و شما، یعنی رومیان را دفع می‌کند. اگر میان ما و آنها جنگ شود، آن وقت به سوی آنان اسلحه حمل نکنید. پس هر کس به دشمنان ما اسلحه برساند که علیه ما کمک بشوند در شمار مشرکان خواهد بود.

... عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقَالَ لَهُ حَكْمُ السَّرَاجِ مَا تَرَى فِيمَنْ يَحْمِلُ السُّرُوحَ إِلَى الشَّامِ وَأَدَاتِهَا فَقَالَ لَا بَأْسَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ بِمَنْزِلَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَ إِنَّكُمْ فِي هُدًى فَإِذَا كَانَتِ الْمُبَايَنَةُ حَرَمَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْمِلُوا إِلَيْهِمُ السُّرُوحَ وَالسَّلَاحَ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۱۲ / طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۵۷ / حر عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۱۰۱).

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم و حکم سراج گفت: نظر شما درباره کسی که زین‌ها و

۱. مقصود از شام، سرزمین‌هایی است که تحت حکومت بنی‌امیه بود که آنان همیشه دشمن اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

ادوات آنها را به سوی شام می برد، چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد، امروز شما همانند اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در صلح و آرامش هستید. هنگامی که روابط تیره باشد، بر شما حرام است زین ها و سلاح به سمت شام حمل کنید.

همچنین شیخ انصاری در اول کتاب مکاسب محرمه از کتاب تحف العقول روایت مفصلی را از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در بخشی از آن روایت هر نوع کمکی به حکومت های جائر و ظالم منع شده است: «لأن كل شيء من جهة المعونة له معصية كبيرة من الكبائر» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶-۷): زیرا هر امری از جهت کمک برای حکومت ظلم و جور گناهی از گناهان کبیره است.

ادله بیان شده دلالت بر حرمت تقویت کفر و باطل و ظلم علیه مسلمانان دارد. پس در فرض بحث که خرید کالاهای کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی است و سبب تقویت جریان اقتصادی آنها می شود و موجب تضعیف اقتصاد جمهوری اسلامی ایران می گردد، مطلب روشن و این امر غیرمجاز است.

سیره علمای گذشته و نیز نظرات فقهی آنان نشان می دهد در شرایطی که هر اقدام اقتصادی سبب تقویت کفار و دشمنان اسلام و مسلمین و تضعیف جامعه اسلامی گردد، آنان نیز حکم عدم جواز معامله با کفار حربی را قبول دارند. پیش از این، از مرحوم *آخوند خراسانی* و نیز *طباطبایی یزدی* همین نظر فقهی تصریح شده است. کما اینکه *سید عبدالحسین لاری* در پاسخ پرسشی درباره خرید و استفاده از کالاهای کشورهای کافر که سبب کمک به آنها می شود، نوشته است: «حرام است استعمال آنها و واجب بر جمیع مسلمانان استعمال مطعومات و ملبوسات و مصنوعات بلاد اسلامیّه و قطع علائق احتیاج از کفره خارجه و فراهم نمودن وسایل قطع روابط احتیاجات از کفار» (لاری، ۱۴۱۸ق، ص ۳۲۹-۳۳۱).

فرض دوم: عدم وجود کالای مشابه در ایران

در اینجا فرض بر این است که مشابه کالاهای وارداتی از کشور آمریکا یا رژیم صهیونیستی در جمهوری اسلامی ایران تولید نمی شود. واردات این قبیل کالاها از این کشورها زمینه رونق تولید بنگاه های اقتصادی آنها را فراهم می کند، افزایش اشتغال نیروهای کار آن کشورها را به دنبال خواهد داشت و به سمت رشد اقتصادی مطلوب تری حرکت می کنند. در مجموع سبب تقویت اقتصاد کشوری می شود که با جمهوری اسلامی ایران در حال

جنگ اقتصادی است. از سوی دیگر با واردات آن کالاها برخی نیازهای شرکت‌ها یا بعضی مردم ایران برطرف می‌گردد. همچنین با توجه به آنکه مشابه آن کالا در ایران تولید نمی‌شود، واردات آنها موجب تعطیلی بنگاه اقتصادی و بیکارشدن کارگران ایرانی نمی‌گردد.

بر اساس ادله ارائه‌شده در بخش قبلی، هر نوع اقدام اقتصادی اگر ضرورت نداشته باشد و موجب تقویت کافر حربی شود، غیرمجاز است. ظاهر روایت هند سراج و نیز روایت حضر می نیز بر این امر دلالت دارند. همچنین مفاد روایت **تحف العقول** دلالت داشت که تقویت کفر و باطل مجاز نیست و به طریق اولی اگر کافر حربی باشد، خرید کالا و تقویت جریان اقتصادی آنها غیرمجاز است؛ کما اینکه از امام خمینی علیه السلام پیش از این نقل شده است که ایشان معتقدند به حکم عقل تقویت کشور ظالم که علیه اسلام و مسلمین در حال جنگ است، غیرمجاز می‌باشد؛ زیرا چنین اقدامی ظلم به مسلمین محسوب می‌شود و ظلم نیز از نظر عقل قبیح و از نظر شرع حرام است.

وقتی تقویت اقتصادی کفار غیرمجاز باشد، هر نوع اقدامی از سوی مسئولان نظام در هر رتبه‌ای باشند و نیز از سوی مردم زمینه واردات کالاهای کشورهای آمریکا و رژیم صهیونیستی را به کشور فراهم کنند که موجب تقویت اقتصاد آن کشورها گردد، مصداق تعاون بر اثم خواهد بود و غیرمجاز می‌باشد.

۲. کالاهای کشورهای همراه آمریکا و رژیم صهیونیستی

برخی کشورهای اروپایی مثل انگلستان به‌طور مستقیم جنگ اقتصادی علیه ملت ایران را آغاز نکرده‌اند، ولی در این جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا همراهی می‌کنند. در واقع این کشورها در شمار اعوان و انصار آمریکا و رژیم صهیونیستی در این جنگ شمرده می‌شوند و خواهان نابودی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران هستند.

حکم فقهی خرید کالای تولیدی از این کشورها نیز مانند حکم فقهی خرید کالا از کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی است. چون تمام آن آثار و پیامدهای بیان‌شده را دارد؛ بنابراین مصداق کافر حربی بالفعل نسبت به کشور جمهوری اسلامی ایران در بعد اقتصادی محسوب می‌شوند. افزون بر آن، تقویت اقتصادی این کشورها نیز تقویت اقتصادی

کشورهای جریان جنگ‌افروز علیه نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد؛ بنابراین تمام مباحثی که درباره خرید کالاهای آمریکایی و رژیم صهیونیستی بیان شده است، درباره این کشورها نیز صدق می‌کند. تنها مطلب قابل ملاحظه در معامله با این کشورها آن است که اگر خرید کالایی از کشورهای جنگ‌افروز و کشورهای همراه آنها ضرورت پیدا کند، از باب قاعده دفع افسد به فاسد، باید آن کالا را از کشورهای همراه با کشورهای جنگ‌افروز خریداری نمود نه از کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی. چون مبدأ شرارت در جهان علیه جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان، کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند و سایر کشورها با این جریان از روی اختیار و برخی هم به ناچار همراهی می‌کنند.

۳. کالاهای کشورهای غیر اسلامی در حال صلح

بسیاری از کالاها توسط برخی کشورهای غیراسلامی همانند روسیه و چین یا با نام تجاری آنها تولید می‌شوند. این کشورها در این جنگ اقتصادی مشارکت ندارند، بلکه گاهی حاضر به همکاری با ایران علیه کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند و در صلح و سازش با جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

معامله و خرید کالا از این کشورها به چند صورت اتفاق می‌افتد:

صورت اول: وقوع سلطه و سیل

خرید و واردات کالاها از این کشورها به جمهوری اسلامی ایران تبدیل به یک جریان قوی اقتصادی شود، به گونه‌ای که بازارهای ایران تحت تأثیر جدی کالاهای وارداتی آن کشورها قرار گیرد، بخش مهمی از بنگاه‌های تولیدی ایران با رکود مواجه شده و تعطیل گردند و بیکاری تعداد قابل توجهی از کارگران را به دنبال داشته باشد. در مجموع اقتصاد ایران با رکود اقتصادی مواجه شود و معیشت مردم و بسیاری خانواده‌ها مختل گردد. در سال‌های اخیر چنین شرایطی از سوی برخی کشورها از جمله اقتصاد کشور چین نسبت به اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران شاهد بوده‌ایم. واردات کالاهای تولیدی کشور چین به قدری گسترده بوده است که برخی صنایع ایرانی به تعطیلی کشیده شدند و بیکاری کارگران آنها را به دنبال داشته است و ...

فرض بیان شده، مصداق عنوان سلطه و سبیل اقتصادی کشور کفر و غیراسلامی بر اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران است. در این صورت مصداق نهی آیه نفی سبیل «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (نساء: ۱۴۱) قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین معاملاتی صحیح نیست و غیرمباح می‌باشد. افزون بر آن کسانی که دست به دست هم می‌دهند و اقدام به خرید و واردات انواع کالا از این کشورها می‌کنند و زمینه سلطه و سبیل اقتصادی کفار را بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌نمایند، رفتارشان مصداق تعاون بر اثم خواهد بود که خدای متعال آن را غیرمجاز شمرده است: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲): در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌کیفر است.

بنابراین کسانی که مجوز واردات کالاها را صادر می‌کنند، آنهایی که اقدام به خرید و واردات می‌نمایند، فروشندگانی که در بازارهای داخلی آن کالاها را می‌فروشند و نیز خریداران آنها کمک به تحقق سلطه و سبیل اقتصادی کشور غیراسلامی بر اقتصاد کشور جمهوری اسلامی ایران می‌کنند، مورد نهی خدای متعال در این آیه قرار می‌گیرند و فعل آنان غیرمجاز است.

صورت دوم: جریان اقتصادی دوجانبه

یک جریان اقتصادی دوجانبه بین اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و اقتصاد آن کشورها شکل بگیرد؛ یعنی همان‌طوری که کشوری مثل چین به کشور جمهوری اسلامی ایران کالا وارد می‌کند، از سوی دیگر از کشور جمهوری اسلامی ایران نیز به آن کشور کالاهای تولیدی فراوانی صادر می‌شود و یک جریان اقتصادی و تجاری دوجانبه و با منافع اقتصادی دوطرفه شکل می‌گیرد. حتی ممکن است جریان واردات کالاها از این کشورها منشأ مشکلاتی برای برخی بنگاه‌ها و صنایع ایرانی شوند، اما از سوی دیگر منافع حاصله از صادرات کالاهای ایرانی به این کشورها نیز بسیار قابل ملاحظه می‌باشد.

ایجاد جریان اقتصادی دوجانبه با کشورهای غیراسلامی که دارای منافع مشترک برای دو ملت باشد، به لحاظ اقتصادی دارای منافع اقتصادی صحیح است؛ چون هم موضوع حمایت از کالای ایرانی محقق می‌شود و هم به جهت موازین فقهی اشکالی ندارد؛ اما به

لحاظ منطق اقتصادی، هر یک از دو کشور در زمینه‌ای که دارای مزیت نسبی هستند، اقدام به تولیدات و صادرات می‌کنند و از منافع اقتصادی فراوانی بهره‌مند می‌شوند. از آنجایی که تولیداتشان بر اساس مزیت‌های نسبی اقتصادی کشور ایران و آن کشورها شکل می‌گیرد، به همین جهت هزینه‌های تولیدی برای هر دو کشور منطقی خواهد شد. همچنین کالای تولیدی ایرانی به صورت پایدار توسط کشورهای خارجی تقاضا و به مصرف خواهد رسید و موضوع حمایت از کالای ایرانی محقق می‌شود. افزون بر آنها این جریان با هیچ یک از موازین اولیه و ثانویه فقهی ناسازگار نیست؛ بنابراین به جهت منافع بیان‌شده، مطلوب است حاکمیت اسلامی ارتباط تجاری و اقتصادی دوجانبه بیان‌شده را با کشورهای غیراسلامی فراهم کند و گسترش دهد.

صورت سوم: کالاهایی که مشابه داخلی ندارند

خرید و واردات کالاها از کشورهای غیراسلامی مصداق سلطه و سبیل نیست. همچنین یک جریان دوطرفه اقتصادی با منافع دوجانبه محسوب نمی‌شود، بلکه کالاهایی وارد می‌شوند که مورد نیاز مردم ایران بوده و مشابه آن در داخل ایران تولید نمی‌شود؛ بنابراین واردات آنها برای تولیدات داخلی مشکل‌ساز نیست و از سوی دیگر آن کشور نیز از منافع اقتصادی فراوانی بهره می‌برد.

در این صورت بر ممنوعیت چنین جریان اقتصادی هیچ دلیل فقهی وجود ندارد. این جریان از یک سو منافع اقتصادی کشور غیراسلامی در حال صلح با جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌کند و از سوی دیگر نیازهای اقتصادی مردم ایران را برطرف می‌نماید. اصل اولیه مستفاد از ادله و عمومات اولیه - که پیش‌تر بیان شد - صحت و جواز چنین معاملاتی است. افزون بر آنها منافاتی هم با موضوع حمایت از کالای ایرانی ندارد.

البته اگر کشور جمهوری اسلامی ایران با مشکلات جدی ارزی مواجه باشد و کالاهای وارداتی از کالاهای ضروری که اضطرار به آنها در داخل ایران وجود ندارد باشد، در این صورت حکم به جواز واردات چنین کالاهایی امر مشکلی است؛ چون واردات این کالاها نیازمند استفاده از ارزهای خارجی می‌باشد و کمبود ارز در داخل کشور سبب کاهش ارزش پول ملی در برابر سایر ارزها می‌شود و کاهش ارزش پول ملی، افزایش سطح

عمومی قیمت‌ها و تورم را به دنبال خواهد داشت و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم آثار بسیار خطرناکی بر اقتصاد ملی و دارایی‌ها و درآمدهای نقدی عموم مردم دارد.

۴. کالاهای کشورهای اسلامی غیر جبهه مقاومت

کالاهایی که توسط برخی کشورهای اسلامی مانند ترکیه، مالزی، پاکستان، اندونزی و عربستان تولید شده یا با نام تجاری آنها عرضه می‌شوند. این قبیل کشورها به چند گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول: همراهی با کشورهای جنگ‌افروز

گروهی از این کشورها مثل عربستان با کشورهای جنگ‌افروز برای ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی ایران همراهی و مشارکت می‌کنند. حکم معامله و روابط تجاری با این کشورها همانند کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی است؛ چون چنین کشوری با کفار حربی علیه کشورهای اسلامی هم‌پیمان شده است. به همان نحوی که کشورهای غیراسلامی با کشورهای اسلامی می‌جنگند و در صدد نابودی کشورهای اسلامی هستند، این کشور نیز همانند آنها بلکه شدیدتر از آنها برای نابودی کشورهای اسلامی اقدام کرده است. به تعبیر امام خمینی علیه السلام - که پیش از این گذشت - از روایات بیع السلاح به کشورهای غیراسلامی فهمیده می‌شود که بین کشور غیراسلامی و کشور اسلامی که در صدد نابودی کشورهای اسلامی برآمده فرقی نیست. هر نوع معامله‌ای که کمک به جریان اقتصادی آنها محسوب شود، مشمول نهی در روایات بیع السلاح می‌شود؛ یعنی کشور غیراسلامی موضوعیت ندارد، بلکه کشوری به ظاهر اسلامی، اما با همراهی کفار حربی علیه کشورهای حق و اسلامی اقدام کند، مشمول احکام روایت بیع السلاح می‌شود و هر نوع رابطه تجاری و اقتصادی که سبب تقویت اقتصادی آنها شود و زمینه تضعیف کشورهای اسلامی را فراهم کند، غیرمجاز است.

گروه دوم: تضعیف جریان اقتصادی کشور

گروهی از کشورهای اسلامی در جنگ اقتصادی با کشورهایی مانند آمریکا همکاری و مشارکت نمی‌کنند، اما خرید و واردات کالا از این قبیل کشورها به جمهوری اسلامی ایران

تبدیل به یک جریان قوی اقتصادی می‌شود. مشابه کالاهای وارداتی نیز در داخل جمهوری اسلامی ایران تولید می‌شود؛ بنابراین واردات آنها تعطیلی بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی و بیکاری کارگران شاغل ایرانی را در پی خواهد داشت و اقتصاد ایران را به سمت رکود می‌برد. به دنبال آن برخی مشکلات امنیتی، سیاسی و ... برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌گردد. در واقع در جنگ اقتصادی، آن هدفی را که کشورهای آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کردند، با اقدامات اقتصادی از طریق برخی کشورهای اسلامی حاصل می‌شود و زمینه‌های تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌گردد. هر اقدامی که سبب تضعیف جامعه اسلامی شود، غیرمجاز است. پیش‌تر از امام خمینی علیه السلام نقل شد که روایات فروش سلاح اختصاص به کفار حربی ندارد، بلکه حتی کشور اسلامی بخواهد برای کشور اسلامی دیگر مثل جمهوری اسلامی ایران مشکلات بیان‌شده را ایجاد کند، غیرمجاز است. همچنین در روایت **تحف العقول** که پیش‌تر بیان شد، در آن آمده بود که هر اقدامی که سبب تضعیف حق و مؤمنان شود، جایز نیست.

لازم است ذکر شود که این حکم در صورتی جاری می‌شود که راه‌های دیگری برای جلوگیری از مشکلات مورد اشاره وجود نداشته باشد. اگر بتوان با استفاده از سیاست‌های گمرکی مثل وضع تعرفه‌های بازدارنده جلوی چنین مشکلات و مفسدات اقتصادی را مسدود کرد، قطعاً در اولویت است؛ بلکه اگر بتوان آن را تبدیل به جریان تجاری با منافع دوجانبه نمود و مشکلات و مفسدات اقتصادی را برطرف نمود باید این امر صورت گیرد که در فرض بعدی بررسی می‌شود.

گروه سوم: جریان اقتصادی با منافع طرفینی

گروهی از کشورهای اسلامی هستند که خرید و واردات کالا به صورت معمولی بین دو طرف ایران و آن کشورها جریان پیدا می‌کند. هم مردم و کشور ایران و هم مردم و آن کشورها منافع اقتصادی متعارف می‌برند. کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای اسلامی همسو با ایران بر اساس مزیت‌های نسبی اقتصادی، کالاهای خود را تولید و مازاد تولید را به کشور مقابل صادر می‌کنند و از منافع اقتصادی آنها مردم هر دو کشور بهره‌مند می‌شوند. در چنین شرایطی هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که دلالت بر عدم جواز این نوع

معاملات نماید. علاوه بر آن مصداق حمایت از کالای ایرانی نیز می‌باشد. چون خرید و مصرف کالاهای تولیدی ایرانی توسط غیر ایرانی‌ها محقق می‌شود. اگر در شرایط جنگ اقتصادی، حمایت از کالای ایرانی لازم و واجب باشد، جریان اقتصادی و تجاری با کشورهای اسلامی با منافع دوطرفه از موارد بسیار لازم است که مردم و همه مسئولان باید به چنین ظرفیتی اهمیت فراوانی بدهند و تلاش کنند این ظرفیت مرتب افزایش پیدا کند؛ چون هم آثار فشارهای جنگ اقتصادی دشمنان جمهوری اسلامی ایران کاسته می‌شود و هم مصداق حمایت از کالاهایی ایرانی محقق می‌شود.

۵. کالاهای کشورهای اسلامی جبهه مقاومت

برخی کالاها توسط بعضی کشورهای اسلامی جبهه مقاومت یا گروه‌های مقاومت همانند کشور عراق، سوریه، یمن و حزب‌الله لبنان تولید و یا با نام تجاری آنها عرضه می‌شوند. این کشورها شبیه ایران در معرض جنگ و تهدید از سوی کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند.

از آنجایی که کشورهای اسلامی جبهه مقاومت در برابر جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی در حال جنگ و مقاومت هستند و متحمل انواع مشکلات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی می‌شوند، در کنار جمهوری اسلامی ایران در صف مبارزه با دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین هر نوع حمایتی از آنان، حمایت از جبهه مقاومت در برابر دولت‌های جنگ‌افروز محسوب می‌شود و خرید و واردات کالاها از آنها صحیح و مباح، بلکه لازم است. چون تقویت کشورهای اسلامی همسو با نظام جمهوری اسلامی ایران است که در جنگ اقتصادی علیه کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی مشارکت دارند و سبب می‌شود کشورهای جبهه مقاومت در برابر کشور آمریکا و رژیم صهیونیستی تقویت شوند. حتی ضرورت دارد که جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مقاومت اسلامی، مراودات اقتصادی خود را به گونه‌ای ساماندهی و گسترش دهد که موجب تقویت جریان اقتصادی آن کشورها شود. بلکه همان‌طور که جبهه مقاومت نظامی توسط این کشورها برای دفاع از خود تشکیل شده است، لازم است جبهه مقاومت اقتصادی توسط این کشورها و با راهبری کشور جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق در صدد پاسخگویی به این پرسش ساماندهی شده است: «با توجه به شرایط فعلی اقتصاد ایران - جنگ تمام‌عیار اقتصادی - حکم فقهی حمایت از کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای خارجی چیست؟» بررسی‌ها تحقیق را به این نتیجه رساند: «وجوب پرهیز از مصرف کالاهای کشورهای متخاصم با جمهوری اسلامی ایران، مثل آمریکا و رژیم صهیونیستی مگر در فرض اضطرار، مبادلات تجاری سازنده اقتصادی با سایر کشورهای دنیا مگر در فرض سلطه اقتصادی آنان بر اقتصاد ایران و اتحاد کشورهای جبهه مقاومت اسلامی با هم برای تقویت اقتصادی این کشورها در مقابله با کشورهای متخاصم با جبهه مقاومت اسلامی می‌باشد». با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران بدون فوت وقت باید جبهه مقاومت اقتصادی را با تمام نیروهای مقاومت اسلامی در سراسر دنیا و نیز همراهی کشورهای اسلامی جبهه مقاومت برای مقابله با جنگ اقتصادی دشمنان ایجاد نماید. همچنین در داخل کشور بازنگری قوانین و سیاست‌های اقتصادی را بر اساس نتایج فقهی تحقیق بازنگری نماید و قوانین و سیاست‌های مخالف آن را حذف و سیاست‌ها و قوانین متناسب را جایگزین نماید.

منابع و مأخذ

۱. آبرومندی، سیدفرهنگ، خیری، بهرام و احمد ودادی؛ «دلایل فرهنگی امتناع مصرف‌کننده ایرانی از مصرف کالاهای ایرانی و تولید ملی»؛ *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۴۹، ۱۳۹۸.
۲. ابوالحسنی (منذر)، علی؛ «مروری بر اندیشه و سیره سیاسی آیت‌الله صاحب عروه»؛ *مجله تاریخ معاصر*، ش ۴۲، ۱۳۸۶.
۳. احمدی‌نیک، سیدمهدی و سیدعبدالحمید حسینی؛ «بررسی مبانی فقهی و ضعف‌های پیشگیری از قاچاق کالا در راستای حمایت از کالای ایرانی»؛ تهران: دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، ۱۳۹۷.

۴. اردکانی، سعید، صانعیان، زهراسادات و ناهید منتهی؛ «سنجش عوامل مؤثر بر تمایل مصرف‌کننده ایرانی به خرید و مصرف کالاهای ایرانی»؛ مدیریت بازرگانی، س ۱۱، ش ۲، ۱۳۹۸.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین؛ کتاب مکاسب المحرمه و البیع و الخيارات؛ ۶ ج، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۶. بجنوردی، سید محمد بن حسن؛ القواعد الفقهیه؛ ۲ ج، ۳، تهران: مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ق.
۷. توکلی، محمد جواد؛ حمایت از کالای ایرانی: چرایی، چیستی، چگونگی؛ تهران: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۷.
۸. الحر العاملی، الشیخ محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۹. حسینی حائری، سید کاظم؛ فقه العقود؛ ۲ ج، ۲، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۱۰. حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی؛ العناوین الفقهیه؛ ۲ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۱. خزایی، میثم، سراقی، بهروز و محمد علی لیالی؛ «تحلیل فقهی حمایت از کالای ایرانی»؛ حکومت اسلامی، س ۲۴، ش ۹۱، ۱۳۹۸.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهه؛ قم: نشر داورى، ۱۳۷۷.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن احمد؛ مفردات الفاظ قرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داودی؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۴. روزنامه حبل‌المتین کلکته، س ۱۳، ش ۳۳ (۲۵ صفر ۱۳۲۴ق).
۱۵. شیخ صدوق، ابن بابویه؛ من لا یحضره الفقیه؛ تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ ۲ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۶. صدیقیان، فیروزه و نرگس حاجی علی‌اکبری؛ «شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان در انتخاب کالاهای تولید داخلی با هدف ارائه الگوی مصرفی کالاهای ایرانی»؛ فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، س ۳۰، ش ۱۱۷، ۱۳۹۸.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ لبنان: انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.

۱۸. طوسی، محمدبن‌الحسن؛ الإستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ تصحیح حسن خراسان؛ ۴ج، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحج)؛ ج ۱، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار، ۱۴۲۵ق.
۲۰. کلینی، یعقوب‌بن‌اسحاق؛ اصول من الکافی؛ تعلیق علی‌اکبر غفاری؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۲۱. کرکی، علی‌بن‌حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۳، ج ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ق.
۲۲. لاری، سیدعبدالحسین؛ مجموعه رسائل؛ قم: کنگره بزرگداشت آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری، ۱۴۱۸ق.
۲۳. لنکرانی، محمد فاضل موحدی؛ القواعد الفقهیة؛ ج ۱، قم: چاپخانه مهر، ۱۴۱۶ق.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ مکاسب المحرمة؛ ج ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۱۵ق.
۲۵. _____؛ کتاب البیع؛ ج ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۲۶. موسوی خویی، سیدابوالقاسم؛ موسوعة الإمام الخوئی؛ قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۳۷۱.
۲۷. موسوی خمینی، سیدمصطفی؛ مستند تحریر الوسیله؛ ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، [بی‌تا].
۲۸. النجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی الشرایع الاسلام؛ تعلیق عباس قوچانی؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.